

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### سفر محمد بن سلمان به انگلیس، امریکا و فرانسه



(ترجمه)

#### پرسش:

محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی، روز دوشنبه 9 اپریل 2018م وارد فرانسه شده و دو روز در آنجا اقامت نمود. وی پیش از سفر به فرانسه به تاریخ 10 مارچ 2018م به انگلیس سفر نموده بود که سه روز را دربر گرفت، سپس به تاریخ 20 مارچ 2018م به امریکا سفر نمود و تا 8 اپریل 2018م، یعنی به مدت 18 روز در آنجا به سر برد. در این سفرها از محمد بن سلمان به گونه سران دولت‌ها استقبال به عمل آمد. پرسش اینست که پشت پرده این سفرها از چه قرار است؟ مسئله دیگری که در خصوص این سفرها پرسش برانگیز است، اینست که بن سلمان به کشورهای سفر نمود که هر کدام منافع مختلفی دارند؛ وجه مشترک این سفرها چه چیزی می‌تواند باشد؟

#### پاسخ:

هدف اصلی سفر به امریکا بود، اما سفر به انگلیس، سفری به هدف دلجویی از حکومت‌مداران این کشور بود، زیرا بن سلمان پس از به قدرت رسیدن‌اش، گام‌های مؤثری علیه مزدوران انگلیس در سعودی برداشت که طبیعتاً انگلیس‌ها از آن دلخور شدند، و اما سفرش به فرانسه، سفری حاشیه‌ای و به هدف مشهور نمودن چهره محمد بن سلمان در سطح جهانی بود، تا طوری وانمود شود که او به دولت‌های بزرگ جهان، به شمول امریکا و اروپا سفر می‌کند. جزئیات بیشتر قرار ذیل است:

**اول) سفر محمد بن سلمان به انگلیس:** سفر بن سلمان به انگلیس از 7 مارچ 2018م شروع و برای سه روز، یعنی تا 10 مارچ 2018م ادامه داشت. چنان‌که در اول گفتیم؛ این سفر به هدف دلجویی از انگلیسی‌ها بود، زیرا محمد بن سلمان می‌داند که انگلیس‌ها در میان خانواده حاکم در سعودی نفوذ و ریشه‌های عمیق دارد و می‌تواند برای بن سلمان در دسرساز باشد. به همین دلیل بود که به انگلیس سفر نمود تا با پیشکش نمودن برخی امتیازهای اقتصادی، که مقدارش محدود بود و نه بیش از حد، فضای تنش میان انگلیس و سعودی را تا حدی کاهش دهد.

محتوای بیانیه پایانی این سفر به خوبی نشان می‌دهد که بیشتر به سفرهای عادی شباهت دارد تا یک سفر مهم؛ چنان‌چه توافقات صورت گرفته، کاملاً معمولی و سخنان گفته شده عام و نامحدود بود. به جز برخی امتیازات اقتصادی که به هدف فریب داده شد. به طور مثال: بیانیه پایانی، موارد زیر را در بر می‌گیرد:

الف) بعضی امور عام و معمولی، که در بیانیه‌های پایانی از آن یاد می‌شود: کشور شاهی انگلیس تأکید می‌کند که از چشم‌انداز 2030 عربستان سعودی و برنامه‌های اصلاح اقتصادی و اجتماعی عربستان سعودی، که به هدف متنوع نمودن منابع اقتصادی این کشور راه‌اندازی نموده، پشتیبانی می‌نماید. شاهزاده محمد بن سلمان و تریزیمی نخست وزیر انگلیس، روز چهارشنبه شورای سالانه مشترک استراتژیک را راه‌اندازی نمودند و قرار است این شوری، وسیله‌ی اساسی گفتگوهای منسجم میان دوطرف بر سر عرصه‌های مختلف روابط دوجانبه باشد. کشور شاهی عربستان سعودی از تجارب انگلیس در عرصه‌های مختلف تعلیم و تربیه، به شمول کودکستان‌ها، مکاتب ابتدائی، متوسطه و لیسه و حتی تحصیلات عالی و مهارت‌های آن در تمرینات فنی تعریف و توصیف نموده و از آن استفاده خواهد نمود. عربستان سعودی از تجارب فراوان انگلیس در عرصه بهداشت به خوبی آگاهی دارد.

انگلیس از پیوند دادن موفقانه شرکت ارامکوی سعودی به صفت بخشی از نقشه عربستان سعودی در راستای اصلاحات اقتصادی به خوبی یاد نمود. عربستان سعودی به جایگاه لندن به عنوان مرکز اساسی و جهانی اقتصادی اعتراف نمود. مجموعه بازارهای پولی لندن با بازار پول عربستان سعودی به توافق رسیدند که روی برنامه تدابیر ساخت توانایی‌ها و تمرینات لازم جهت همکاری‌های مشترک در رشد بازارهای پولی، فعالیت مشترک داشته باشند. عربستان سعودی و انگلیس هر دو طرف روی اهمیت روابط دفاعی و امنیتی مشترک و نقش آن در ایجاد امنیت ملی مشترک و صلح منطقه‌ای، تأکید نمودند. دوطرف اعلان نمودند که قصد دارند، روی تلاش‌ها در جهت مبارزه با تروریزم و بنیادگرایی از طریق تبادل معلومات استخباراتی و شناخت راه‌هایی که تروریستان و بنیادگراها برای تأثیرگذاری روی طبقات ضعیف از آن استفاده می‌کنند، تمرکز بیشتر نمایند. دو دولت شماری از تفاهمنامه‌هایی را امضاء نمودند که به منظور استحکام همکاری‌های مشترک میان دوکشور آماده شده بود. همچنین، تفاهمنامه‌ای به امضاء رسید که در آن از تمایل دوطرف به کامل نمودن گفتگوها به منظور دستیابی به توافقی جهت دستیابی عربستان سعودی به 48 فروند طیاره اضافی از نوع تایفون، یادآوری شده بود. دوطرف روی ضرورت پایبندی ایران به اساسات حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی کشورها، تأکید نمودند.

ب) برخی امور سیاسی و امنیتی، که عام بوده و از آن در حل مفصل قضایاء به گونه مشخص یاد نمی‌شود: دوکشور روی اهمیت دستیابی به راه‌حل سیاسی بحران یمن تأکید نموده و یادآور شدند که این بحران باید بر اساس پیشگامی شورای همکاری خلیج و چگونگی اجرای آن، نتایج گفتگوهای ملی یمن و فیصله شماره 2216 شورای امنیت، که راه را به سوی حل سیاسی این بحران و تأمین امنیت در این کشور و حفظ خاک آن باز می‌کند، حل و فصل گردد. دوطرف اظهار نمودند که از مارتن گریفیت، نماینده ویژه سازمان ملل برای یمن، که اخیراً گماشته شده است، پشتیبانی می‌نمایند. آنان روی اهمیت همکاری جامعه جهانی برای اعمال فشار بالای ملیشه‌های حوثی-تا اجازه دهند کمک‌های انسان‌دوستانه وارد مناطق متضرر شود- به توافق رسیدند. انگلیس از پایبندی مستمر عربستان سعودی به انجام عملیات نظامی پیمان با در نظر داشت قانون بین‌المللی حقوق بشر، استقبال نمود. دوکشور مجدداً تأکید نمودند که به مسئله منحل نمودن دو دولت بر اساس پیشنهاد صلح کشورهای عرب و فیصله‌های سازمان ملل در این خصوص، پایبند می‌باشند.

ج) برخی امور اقتصادی، که به هدف دلجویی از انگلیس مطرح گردید: عربستان سعودی و انگلیس به مشارکت درازمدت به منظور تحقق چشم‌انداز 2030 همچنان پایبند باقی خواهند ماند، که این مشارکت شامل عرصه‌های مختلف می‌شود، به شمول: گسترش فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک با انگلیس از طریق صندوق سرمایه‌گذاری‌های عام و تجارت مشترک میان دوکشور. انتظار می‌رود، ارزش این فرصت‌های یادشده در دهسال آینده مجموعاً به 100 میلیارد دالر برسد. صندوق سرمایه‌گذاری‌های عام، از میان فرصت‌های یاد شده، به رسانیدن میزان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم تا سقف 30 میلیارد دالر سعی و تلاش خواهد نمود. عربستان سعودی و انگلیس از شمار زیادی از معاملات اساسی تجاری، که در این سفر روی آن توافق صورت گرفت، استقبال نموده و گفته شده، انتظار می‌رود این معاملات از مرز 2 میلیون دالر بگذرد، که فرصت‌های شغلی فراوان و شگوفایی زیادی را در دوکشور ایجاد خواهد نمود.

از موارد فوق‌الذکر به خوبی برمی‌آید که هدف از این سفر، چیزی فراتر از دلجویی از انگلیس و آرام نمودن تنش نبود؛ چنانچه بیشترین موارد آن را سخنان عام و نامحدود تشکیل می‌داد، به جز برخی وعده‌های اقتصادی، که چندان چشم‌گیر هم نبود و مؤثریت چندان هم ندارد.

**دوم) سفر محمد بن سلمان به امریکا:** اگر سفر بن سلمان به امریکا به دقت ارزیابی گردد، دیده خواهد شد که امریکا تلاش می‌کند تا بن سلمان را به گونه‌ی مستقیم زیر نظر گرفته و از وی بنده‌ی فرمانبرداری بسازد؛ چنانچه رودررو به وی اهانت می‌کند، اما واکنش او فقط یک لبخند است و از وی باج‌گیری می‌کند و او فوراً تسلیم می‌شود. جزئیات بیشتر قرار ذیل است:

الف) به مجرد این‌که سلمان، پس از وفات برادرش عبدالله به تاریخ 23 جنوری 2015م، قدرت را در دست گرفت، شروع به اقدامات سریع جهت استحکام بخشیدن به قدرت خود و کسانی‌که پس از وی به قدرت خواهند رسید، نمود. چنانچه برادرش مقرن بن عبدالعزیز را که انگلیس بالای او حساب می‌نمود، از مقام ولیعهد برکنار نمود و فرزندش محمد را به صفت ولی ولیعهد تعیین نمود. سلمان به فرزندش محمد صلاحیت‌های زیادی داد تا در راستای استحکام بخشیدن به قدرت وی تلاش نماید. محمد بن سلمان بسیاری از افراد رقیب خانواده‌ی آل سعود را که وابسته به انگلیس بودند، از پست‌های دولتی برکنار و دور نمود و دوستی‌اش را با امریکا با شدت تمام برجسته نمود.

مرحله‌ی دوم کار این بود که امریکایی‌ها می‌خواهند خودشان را از میزان اخلاص بن سلمان به امریکا و میزان توانایی‌های وی مطمئن نموده و با شخصیت او آشنایی بیشتر پیدا کنند. به همین دلیل بود که بن سلمان به تاریخ 15 مارچ 2017م و درست پس از به معرفی رسمی ترامپ به صفت رئیس‌جمهور امریکا، به واشنگتن سفر نمود. ترامپ در این سفر از بن سلمان به بلندترین سطح و با شکوهرت‌ترین حد ممکن در قصر سفید استقبال به عمل آورد؛ چنانچه معاونش بنس و مشاور امنیت ملی امریکا را برای استقبال از وی به قصر سفید فراخواند تا به بن سلمان شأن و شوکت داده و سفرش را با اهمیت جلوه دهد.

گام بعدی در جهت استحکام بخشیدن به قدرت بن سلمان به تاریخ 4 نومبر 2017م و با کوتاه نمودن پروبال مزدوران انگلیس و وادار نمودن‌شان به تن دادن در برابر بن سلمان، برداشته شد. در این گام، وابسته‌گان انگلیس در سعودی مورد اهانت و باج‌گیری قرار گرفته و حساب‌های بانکی‌شان مصادره گردید و صدها تن از آنان به شمول شاهزاده‌گان، وزراء، مسئولین و تجار، زیر نام مبارزه با فساد، بازداشت شده و اعلان شد که محمد بن سلمان توانسته 100 میلیارد دلار را از این افراد پس بگیرد. اینک نوبت گام ماقبل اخیر فرا رسیده که بن سلمان با دومین سفرش به واشنگتن، آن را برداشته تا غلامی و وابسته‌گی‌اش را به امریکا تا آخرین حد ممکن استحکام بخشیده و آماده‌گی‌ها را به جانب گام اخیر انجام دهد-که همانا تعیین‌اش به صفت شاه در آینده‌ای نه چندان دور است. به این منظور بن سلمان شروع به سفرهای خارجی نمود و در این سفرها از وی به سان شاه برحال استقبال صورت گرفت، چنانچه در سفری که به تاریخ 4 مارچ 2018م به مصر و سفری که به تاریخ 7 مارچ 2018م به انگلیس داشت و توسط ملکه الیزابت مورد استقبال قرار گرفت؛ سپس سفر اخیر به امریکا و استقبال گرمی که از وی در آنجا صورت گرفت، به خوبی بیانگر این ادعاست. این مسئله در حدی واقعی است که حتی ترامپ به صراحت خطاب به بن سلمان گفت: «از زمان سفر اخیرت به قصر سفید، امور جالبی رخ داد؛ قبلاً ولیعهد بودی و اینک چیزی فراتر از یک ولیعهد استی.» (منبع: خبرگزاری اسپوتنیک روسیه، 21 مارچ 2018م)

ب) به این ترتیب، به مجرد این‌که بن سلمان پایش را به تاریخ 20 مارچ 2018م در واشنگتن گذاشت، فوراً با ترامپ رئیس‌جمهور امریکا دیدار نمود، و ترامپ در این دیدار گفت: «بسیار خرسندم که از ولیعهد سعودی استقبال به عمل می‌آوریم؛ ما دوستی قوی و روابط بسیار مستحکم داریم. من در ماه می گذشته در سفری که به سعودی داشتیم، با شما دیدار نمودم، آنگاه که عربستان سعودی به ما وعده 400 میلیارد دلاری داد. به گمان اغلب، روابط مشترک ما از طریق سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، مستحکم‌تر خواهد شد.» ترامپ در ادامه افزود: «عربستان سعودی کشوری بسیار ثروتمند است و امیدواریم به زودی بخشی از این ثروت را در قالب فرصت‌های کاری و خریداری ابزارآلات، به امریکا بدهد.» بن سلمان در پاسخ چنین گفت: «پایه‌های دوستی میان دوکشور قوی است و روابط ما شامل عرصه‌های امنیتی و اقتصادی می‌شود. در حال حاضر روی نقشه 200 میلیارد دلاری میان دوکشور کار می‌کنیم و ممکن است این مبلغ به 400 میلیارد دلار برسد.» (منبع: شبکه سی‌ان‌ان 20 مارچ 2018م)

به این ترتیب دیده می‌شود که امریکا از سعودی باج‌گیری نموده و سرمایه‌های مسلمانان را توسط این حکامی که در امانت خیانت نموده و در حق امت اسلامی جفا می‌کنند، به غارت می‌برد. آنچه برای ترامپ و امریکایی‌ها مهم است، اینست که دارایی‌های مسلمانان را با استفاده از آل سعود به غارت برده و ببلعد؛ آل سعودی که به صراحت با آنان اظهار دوستی و همپیمانی می‌نمایند و از نفوذ آنان در خاورمیانه حمایت نموده، اقتصاد آنان را تمویل و هزینه دفاع از نفوذ آنان را در این منطقه با کمال بی‌شرمی - پرداخت می‌نمایند.

ج) ترامپ در اقدامی اهانت آمیز تصاویری را از سلاح‌ها و مهماتی که قرار است، سعودی به زودی از امریکا خریداری نماید، روی سینه بن سلمان قرار داده و در حالی که کمره‌های فیلمبرداری خبرنگاران از آنان فلم و تصویر می‌گرفتند، گفت: «پولی که شما در بدل این سلاح‌ها می‌پردازید، برای شما مانند پس مانده غذای دسترخوان است.» وی افزود: «این توافقات به زودی فرصت‌های کاری جدیدی را در امریکا فراهم خواهد نمود که انتظار می‌رود به 40 هزار فرصت کاری برسد.» (منبع: خبرگزاری اسپوتنیک روسیه 21 مارچ 2018م) همین مانده بود که ترامپ ریسمانی بر این تصاویر بسته و آن را از گردن بن سلمان آویزان نماید؛ انگار داشت با این کار به وی پیغام می‌داد که هزینه حمایت ما از تو، پول‌های هنگفت، زمینه‌سازی برای حضور بلافیوشرط ما در سعودی و اطاعت کامل از اوامر ما بدون اندک اعتراض است. ترامپ با این کارها و سخنان‌اش به صراحت به بن سلمان اهانت نمود، اما واکنش او لیخنده‌های احمقانه‌ای بود، که بی‌شرمانه در برابر کمره‌های فیلمبرداری بر لب می‌آورد و انگار ترامپ با بی‌پروایی کامل به او اهانت می‌کرد؛ یعنی وی را تمرین می‌داد که قرار است در آینده‌ها، که تو را به صفت شاه تعیین خواهیم نمود، اهانت‌های زیاد و باج‌گیری‌های زیادتری در راه باشد؛ پس باید آماده باشی و تمرینات لازم را دیده باشی. بن سلمان در جریان این سفر، با بسیاری از مسئولین ادارات و عرصه‌های مختلف و مهم، دیدار و گفتگو نمود:

1- بن سلمان در دیداری که با ماتیس وزیر دفاع امریکا و دانفورد رئیس هیئت ارکان آن داشت، تأکید نمود که به امریکا تمایل شدید دارد. او گفت: «چالش‌های امروز، نخستین چالش‌هایی نیست که کشورهای جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. ما امروزه در برابر چالش‌های خطرناکی در منطقه و جهان قرار داریم، چه چالش‌هایی که عملکردهای حکومت ایران به بار آورده و چه چالش‌هایی که سازمان‌های ترورستی.» (منبع: نشریه الوثام سعودی، 24 مارچ 2018م) وزیر دفاع امریکا خطاب به محمد بن سلمان ولیعهد سعودی گفت: «ما موظف استیم تلاش‌ها برای جستجوی راه حل مسالمت‌آمیز برای جنگ داخلی یمن را از سر گیریم و ما در این زمینه با شما همکار خواهیم بود.» وی خطاب به خبرنگاران گفت: «ما تلاش داریم به این جنگ پایان دهیم، این هدف آخری ما است و به زودی این جنگ را با تحقق شرایط مثبتی به نفع مردم یمن پایان خواهیم داد و همچنین نتیجه آن، تحقق صلح و ثبات در دولت‌های شبه‌جزیره خواهد بود.» (منبع: خبرگزاری رویترز 22 مارچ 2018م)

واقعیت اینست که مسئله یمن، مسئله‌ای است که امریکا تا هنوز موفق نشده، اهداف نهائی‌اش را از آن را برآورده نماید و سعودی که موظف بود تا اهداف امریکا را جامه عمل ببوشاند، هنوز در تنگنایی قرار دارد که نمی‌تواند به سادگی از آن بیرون آید. بنابر این، پایان دادن این مسئله و بیرون رفتن سعودی از این تنگنا به گونه سالم، کاری است که قدرت و موقف بن سلمان را استحکام خواهد بخشید.

2- بن سلمان در گفتگوهایی که با شماری از روزنامه‌ها داشت، اظهاراتی را به زبان آورد که ارتباط مستحکم وی با امریکا را به خوبی روشن می‌کند. او در اظهاراتی به مجله "تایم" امریکا به تاریخ 31 مارچ 2018م گفت: «ما با این باور استیم که نیروهای امریکا اگر امکان بقای دراز مدت‌شان نباشد، حداقل برای مدت متوسطی باید باقی بمانند. حضور امریکا در سوریه به واشنگتن اجازه خواهد داد تا در مورد آینده سوریه اظهار نظر نماید.» وی افزود: «بشار باقی خواهد ماند، اما فکر می‌کنم این نفع بشار است که به ایرانی‌ها اجازه ندهد تا هرکاری دل‌شان می‌خواهد، انجام دهند.» ترامپ رئیس جمهور امریکا در پاسخ به این اظهارات بن سلمان به تاریخ 3 اپریل 2018م گفت: «می‌خواهم نیروهای مان را به خاک خودشان برگردانم. من قصد دارم، بازسازی ملت خویش را آغاز کنم. مسئولیت اصلی ما در این خصوص، رهایی از شر داعش است. ما این مسئولیت را تقریباً تمام کرده‌ایم و به زودی در این زمینه تصمیم خواهیم گرفت. با همپیمانان مان صحبت خواهیم نمود و پیشنهاد می‌کنم که عربستان سعودی هزینه نیروهای امریکایی موجود در سوریه را بپردازد. بدون شک، سعودی به تصمیم ما اهمیت زیاد می‌دهد. تو گفתי بسیار خوب، چنان‌که می‌دانید؛ پس اگر می‌خواهید ما آنجا بمانیم، شاید لازم شود هزینه آن را بپردازید.» (منبع:

آژانس خبرگزاری فرانس پرس 3 اپریل 2018م) ترامپ به این ترتیب سعی دارد تا سیاست باج‌گیری از نظام آل سعود را ادامه دهد؛ نظامی که اصرار دارد تا نفوذ امریکا در منطقه همچنان پابرجا باشد.

بن سلمان به تاریخ 2 اپریل 2018م در اظهاراتی به مجله "اتلانتیک" امریکایی و در پاسخ به این پرسش: «آیا شما باور دارید که مردم یهود حق دارند، حداقل در یک بخشی از خاک آبائی‌شان دولتی داشته باشند؟» گفت: «من به این باور استم که عموماً هر ملتی حق دارد در سرزمین خودش به گونه‌ی مسالمت‌آمیز زنده‌گی کند. باور من اینست که فلسطینیان و اسرائیلیان همه حق دارند سرزمین خاص خودشان را داشته باشند.» (منبع: صفحه انترنتی الونام سعودی 3 اپریل 2018م) پس با این حساب بن سلمان حتی از خیانت‌هایش در حق سرزمین مقدس فلسطین؛ سرزمین اسراء و معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز احساس ترس و شرم نمی‌کند.

بن سلمان بودجه‌ی هنگفتی را به نام سرگرمی اختصاص داده؛ چنانچه احمد بن عقیل رئیس عمومی بخش سرگرمی اعلان نمود که: «این بخش قصد دارد در جریان دهسال آینده، چیزی در حدود 240 میلیارد ریال، که معادل 64 میلیارد دلار می‌شود، در عرصه‌ی فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی‌ها سرمایه‌گذاری نماید.» او از آغاز کار ساخت محل اوپرا خبر داد که از زمان تأسیس حکومت شاهی، در نوع خود بی‌سابقه است. (منبع: صفحه انترنتی العربیة 22 فیروری 2018م)

روزنامه‌ی واشنگتن پست امریکا در روز چهارم و اخیر حضور بن سلمان در واشنگتن در 24 مارچ 2018م، با وی گفتگویی انجام داد که بن سلمان در آن گفت: «در جریان دیدارهایی که با مسئولین داشتیم، جنگ یمن و روند صلح در خاورمیانه، ایران و فعالیت‌های اصلاحی داخلی، حقوق بشر، برنامه‌ها و تلاش‌های هسته‌ای سعودی به بحث و بررسی گرفته شد.» بن سلمان در این گفتگو به هدف سفرش اشاره نموده گفت که مسئولیت اصلی‌اش در سفر به امریکا اینست که اعتماد سرمایه‌گذاران امریکایی را به دست آورده و به کمک‌های تکنالوژیکی و آموزشی به منظور تقویت تلاش‌های اصلاحی در سعودی دست پیدا نماید. وی در مورد برگرداندن بسیاری از حقوق زنان در سعودی به خودشان نیز در این گفتگو صحبت نمود.

به این ترتیب دیده می‌شود که دوسیه‌های سراسر منطقه در برابر وی گشوده شده و با وی به بررسی گرفته شد، تا معلومات کافی از چگونگی مدیریت آن در منطقه داشته و در جهت تأیید و اجرای آن به نفع امریکا سعی و تلاش نماید. به جز مسئله یمن، نقشه‌ی ترامپ در خاورمیانه و حل قضیه فلسطین نیز مطرح است، چنانچه اعلان نمود که وی پس از به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت دولت یهود به تاریخ 6 دسمبر 2017م، نقشه‌اش را در این زمینه در ماه‌های آینده اعلان خواهد نمود. از طرف دیگر، مسئله برگرفتن ایران به عنوان دشمن به عوض دولت یهود، که قرار است به زودی با آن صلح نماید، مطرح است. سیاست داخلی سعودی بر اساس خواست‌های امریکا به شمول سیکولریزه نمودن آن و سوق دادن آن به جانب ارزش‌های غرب و زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاران امریکایی جهت تسلط کامل بر اقتصاد این سرزمین غنی، نیز از جمله مسئولیت‌هایی است که بن سلمان باید آن را انجام دهد.

صفحه انترنتی 21 عربی به تاریخ 29 مارچ 2018م به نقل از روزنامه اندی‌پندنت انگلیس نوشت، که این نشریه در مورد برنامه‌های کاری ولیعهد سعودی معلوماتی به دست آورده، چنانچه با مدیران اجرایی شرکت‌های بزرگ و سیاستمداران، مسئولین نفتی و دست‌اندرکاران عرصه تکنالوژی و هنر و سرگرمی دیدار نموده و به نظر می‌رسد هدف از این دیدارها، برقراری ارتباط با افکار عامه امریکا باشد. شبکه تلویزیونی "سی‌بی‌اس" در برنامه "شصت دقیقه" اش با وی گفتگو نمود و این نخستین باری است که این شبکه پس از چندین دهه با یک رهبر سعودی گفتگو می‌کند. بن سلمان از این فرصت استفاده نموده و تلاش نمود تا از خود چهره‌ی یک رهبر جوان اصلاح‌گرا و جسور ارائه دهد که سعی دارد، اصلاحات ضروری را رونما نماید؛ مانند کاستن از صلاحیت‌های پولیس دینی و دادن اجازه رانندگی برای زن. روزنامه مذکور گفته که بن سلمان روز سه شنبه 27 مارچ 2018م با شماری از مسئولین ارشد سابق امریکا، مانند کسنجر، بیل کلنتن، هیلاری کلنتن و شماری دیگر و همچنین مسئولین روزنامه‌های بزرگ دیدار و گفتگو نموده و قرار است به زودی با اوباما رئیس جمهور قبلی و جان کری وزیر خارجه وی و همچنین دیوید بترايوس دیدار نماید.

بن سلمان برای این‌که شکسته‌نفسی و غلامی برای امریکا به رهبری ترامپ را کامل کرده باشد، در حالی‌که امریکا را به جانب فرانسه ترک می‌نمود، نامه‌ای عجولانه و ذلت‌باری را خطاب به ترامپ چنین نوشت: «جلالتمآب رئیس جمهور دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، با عرض سلام و احترام: خرسندم در حالی‌که کشور دوست امریکا را ترک می‌کنم، از جلالتمآب شما به دلیل استقبال گرم و مهمان‌نوازی سخاوتمندانه‌تان از بنده و هیئت همراهم، ابراز سپاس و امتنان داشته باشم. با استفاده از این فرصت، می‌خواهم یک بار دیگر به اهمیت روابط تاریخی و استراتژیکی که میان کشورهای مان وجود دارد و در حال گسترش به عرصه‌های گوناگون می‌باشد، مجدداً تأکید نمایم. همچنین لازم به تأکید و یادآوری است که گفتگوهایی‌که در جریان این سفر داشتیم، در تعمیق روابط میان دوکشور و استحکام بخشیدن به همکاری‌های دوجانبه، نقش به‌سزایی خواهد داشت. برای جلالتمآب شما و مردم دوست ایالات متحده امریکا آرزوی سلامتی و شادمانی همیشگی و پیشرفت و شگوفایی مستمر دارم.»

سخن در مورد سفر بن سلمان به امریکا را با تذکر مجدد به آن‌چه که در آغاز این بحث نوشته گفتیم، به پایان می‌بریم: اگر سفر بن سلمان به امریکا به دقت ارزیابی گردد، دیده خواهد شد که امریکا تلاش می‌کند تا بن سلمان را به گونه مستقیم زیر نظر گرفته و از وی بنده فرمانبرداری بسازد، چنان‌چه رودررو به وی اهانت می‌کند، اما واکنش او فقط یک لبخند است، از وی باج‌گیری می‌کند و او فوراً تسلیم می‌شود.

**سوم) سفر محمد بن سلمان به فرانسه:** سفر بن سلمان به فرانسه، یک سفر حاشیوی و به هدف شهرت بخشیدن به وی بود، تا جهان ببیند که وی به تمام غرب، از انگلیس تا امریکا و سپس به اتحادیه اروپا (فرانسه) سفر نمود. این سفر در حدی بی‌اهمیت و ضمنی بود که حتی از روند معمول دیپلماتیک سفرهای رسمی سران حکومت‌ها نیز برخوردار نبود؛ به گونه مثال: یک‌تن از مسئولین دفتر نخست‌وزیر فرانسه در اظهاراتی گفت: «ولیعهد سعودی روز دوشنبه دیدارش از یک اتحادیه بزرگ شرکت‌های جوان تکنالوژی را در پاریس لغو نمود. هدف از این دیدار، روشنی انداختن به عمق روابط فرانسه با سعودی در عرصه تکنالوژی بود.» این مسئول افزود که انتظار می‌رود لغو این دیدار شاهزاده محمد از اتحادیه "استیشن اف"، باعث دلخوردگی و ناراحتی ماکرون شود، به ویژه با توجه به این‌که وی هفته گذشته در سفرش به امریکا، با نوابغ تکنالوژی امریکا در سیلیکون دیدار نمود. محمد بن سلمان برای دیدن از این اتحادیه در پاریس شرطی را گذاشت که بیشتر ماکرون را به خشم آورد، چنان‌چه صفحه انترنتی العالم به تاریخ 9 اپریل 2018م به نقل از "REUTERS/ POOL ©" نوشت: «نشریه "الی تریبیون" فرانسه در خبری نوشت که ولیعهد سعودی با گذاشتن شرطی بحث برانگیز در مقابل استفاده نمودن شرکت‌های فرانسه از توافقات تجاری با عربستان سعودی، خشم ایمانویل ماکرون نخست‌وزیر فرانسه را برانگیخت. نشریه می‌نویسد: «بن سلمان خطاب به ماکرون گفت که شرکت‌های فرانسوی می‌توانند مانند شرکت‌های امریکایی از توافقات تجاری با سعودی استفاده نمایند، اما شرطاش اینست که از این توافقات به نفع ایران سوء استفاده نشود.» نشریه می‌افزاید که این شرط، خشم ماکرون را برانگیخت.

نکته قابل یادآوری دیگر این است که توافقتنامه مشارکت استراتژیکی فرانسه و سعودی، که فرانسوی‌ها شروع به فخر فروشی در مورد آن نمودند، عملاً امضاء نشد؛ بلکه امضای آن به هشت ماه بعد، یعنی آخر سال 2018م موکول گردید و روشن است که تحولات سریعی‌که در سیاست‌های بین‌المللی رونما می‌گردد، معمولاً باعث می‌شود که وعده‌های این چنینی برای امضای توافقتنامه‌ها و یا تعهدات، زیر پا شده و به آن پایبندی صورت نگیرد، به ویژه در مواردی‌که مدت‌زمان در نظر گرفته شده طولانی باشد. چنان‌چه برخی منابع نزدیک به ریاست جمهوری فرانسه به خبرنگاران گفته اند که ماکرون و بن سلمان قرار است در جهت آماده نمودن پیمان‌نامه استراتژیکی کار نموده و این پیمان‌نامه قرار است تا آخر سال جاری تهیه گردد. از این پیمان‌نامه توافقاتی به دست خواهد آمد که ماکرون در اواخر سال در سفری‌که به سعودی خواهد داشت، آن را به بن سلمان امضاء خواهد نمود. همچنین العربیه نت به تاریخ 9 اپریل 2018م با انتشار خبری گفت: «رئیس فرانسه و شاهزاده بن سلمان برای تهیه پیمان‌نامه استراتژیکی میان دوکشور تلاش خواهند نمود و این پیمان‌نامه پیش از پایان سال جاری آماده خواهد شد؛ پیمان‌نامه‌ای که از آن چندین موافقتنامه به دست آمده و ماکرون برای امضای آن در اواخر سال جاری، به سعودی سفر خواهد نمود.» آژانس خبرگزاری فرانس پرس نیز به تاریخ 9 اپریل 2018م همین خبر را منتشر نمود.

مسئله به این حد نیز تمام نمی‌شود، بلکه واقعیت اینست که آنچه را رئیس جمهور فرانسه اعلان نموده، در اصل یک آرزو و آرمانی است که نخست باید در مورد آن پروتوکول‌هایی ایجاد شده و سپس در مورد آن گفتگو و مشوره صورت گیرد تا بتوان آن را زمانی به توافقات قابل اجرا تبدیل نمود. ریاست جمهوری فرانسه اعلان نمود: «امیدواریم همکاری‌های نوینی داشته باشیم که حداقل بر محور توافقات فوری و به گونه گسترده‌تر به عنوان سرمایه‌گذاری‌هایی در آینده بچرخد، به ویژه در زمینه انرژی متجدد. انتظار می‌رود سفر شاهزاده محمد بن سلمان به فرانسه زمینه‌ساز امضای حدوداً 12 پروتوکول در عرصه‌های گوناگون، مانند جهانگردی باشد، چنانچه پاریس در تمرکز بالای منطقه الحجر (مداین صالح) که جزء آثار باستانی یونیسکو به شمار می‌رود و در شمال غرب سعودی موقعیت دارد، به ریاض کمک خواهد نمود. این پروتوکول‌ها شامل عرصه‌های دیگری مانند صحت، انرژی، ترانسپورت و غیره نیز می‌شود. (منبع: ا.ف.ب 8 اپریل 2018م)

همچنین لازم به ذکر است که در این سفر هیچ‌گونه توافق اقتصادی معتبری به امضا نرسید، به ویژه با توجه به این‌که مدت این سفر بسیار کوتاه بود (دو روز)، که این مسئله نیز مسئولین حکومت فرانسه را می‌آزرد؛ چنانچه قصر الیزه اعلان نمود: «از این‌که فرانسه در لیست نخستین کشورهایی قرار گرفته که ولیعهد سعودی به آن سفر می‌کند، خرسند بوده و از آن استقبال می‌کند؛ اما عدم امضای هیچ توافقنامه‌ای باعث ناراحتی این قصر شد.» از جانب دیگر، یک منبع دیپلماتیک فرانسه در صفحه انترنتی فرانس 24 گفت: «فرانسه دیگر مانند گذشته در پی امضای توافقات تجارتي با سعودی نیست، بلکه تلاش‌اش بر اینست تا همکاری مشترک‌المنافع را ایجاد کند که منجر به گسترش اقتصاد و تکنولوژی درازمدت گردد.» (منبع: ا.ف.ب 8 اپریل 2018م)

اما با این همه و برای این‌که منصفانه این سفر را بررسی نموده باشیم؛ باید یادآوری کنیم که عملاً یک توافقنامه‌ای میان طرفین به امضاء رسید و این توافقنامه‌ای بود که با تمایلات بن سلمان همخوانی دارد. دوطرف توافقنامه‌ای را امضاء نمودند که بر اساس آن، پاریس در ساخت یک مرکز رقص و آواز به ریاض کمک خواهد نمود. چنانچه وزیر فرهنگ فرانسه اعلان نمود که پاریس در ساخت این مرکز به ریاض همکاری همه‌جانبه خواهد نمود. وی پس از امضای این توافقنامه با عواد العواد وزیر فرهنگ سعودی گفت: «امروز توافقنامه کمک به سعودی برای ساخت مرکز رقص و آواز و بنای اورکستر ملی عملاً به امضاء رسید.» (منبع: سایت عربی العالم 9 اپریل 2018م) بن سلمان این توافقنامه را در اولویت قرار داد، چنانچه یک روز پیش از سفر رسمی‌اش به فرانسه، در محفل موسیقی، که به مناسبت پایان یک جشنواره در جنوب فرانسه ترتیب شده بود، شرکت نمود: «شاهزاده بن سلمان به تاریخ 8 اپریل 2018م پس از ترک امریکا، وارد فرانسه شده و مستقیماً در محفل موسیقی، در پایان یک جشن در شهر "اکسان بروفانس" در جنوب این کشور شرکت نمود تا به ترانه‌های کلاسیکی از دیوسی، روبرت شومان و فلیکس مندلسن، که هنرمندان فرانسوی می‌باشند، گوش دهد. (منبع: ا.ف.ب 8 اپریل 2018م)

به این ترتیب دیدیم که این سفر، نه توافقنامه‌های معتبری داشت و نه هم تعهدات با اهمیتی، مگر این‌که ساخت مرکز رقص و آواز را با اهمیت و معتبر بشماریم و العیاذ بالله. این مسئله در کنفرانس پایانی مطبوعاتی که شام سه‌شنبه، 10 اپریل 2018م برگزار گردید، به خوبی قابل ملاحظه بود؛ چنانچه رسانه‌ها به تاریخ 11 اپریل 2018م در تبصره بالای این کنفرانس تذکر دادند که توافقات میان دوطرف در حد پروتوکول‌ها و توافق نظر‌هاست، به جز ساخت مرکز رقص و آواز که عملاً به امضاء رسید. سایت الجزیره نت در تاریخ یاد شده چنین نوشت: «محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی امروز سه‌شنبه سفرش را به فرانسه که دو روز را در برگرفت، با امضای 19 پروتوکول میان شرکت‌های فرانسوی و سعودی و به ارزش مجموعی بیشتر از 18 میلیارد دالر، پایان داد. این توافق نظر‌ها شامل عرصه‌های صنعت، مانند پتروکیمیا، حل مشکل آب و همچنین شامل عرصه‌های فرهنگ، صحت و زراعت می‌شوند. برجسته‌ترین این توافقات، توافقنامه‌ای بود که شرکت نفتی سعودی موسوم به ارامکو از آن خبر داد، ارزش آن به 12 میلیارد دالر می‌رسد که با چندین شرکت فرانسه، به شمول توتال، تکنیب و سویز، به امضاء رسید. این توافق به منظور گسترش همکاری‌های مشترک فرانسه و سعودی در منطقه الجبیل در شرق سعودی صورت گرفت؛ جایی‌که گروه شرکت‌های فرانسوی، بزرگترین دستگاه تصفیه نفت جهان را در اختیار دارند.» حتی همین توافقنامه‌های صورت گرفته با شرکت ارامکو نیز به اندازه‌ای که درآمد و منافع مالی دستگاه تصفیه نفت فرانسوی را گسترش و بهبود می‌بخشد، به هیچ‌وجه منجر به گسترش فعالیت‌های شرکت ارامکو نمی‌شود.

هم چنین "ا.ف.ب" نیز به تاریخ 11 اپریل 2018م در تحلیلی که در خصوص کنفرانس مطبوعاتی مذکور داشت، چنین نوشت: «دوکشور در پایان سفر محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به فرانسه، 19 پروتوکول میان شرکت‌های فرانسوی و سعودی را به قیمت مجموعی بیشتر از 18 میلیارد دلار به امضاء رسانیدند. این توافقات، همکاری شامل عرصه‌های صنعت، مانند پتروکیمیائی‌ها و حل مشکل آب و همچنین عرصه‌های جهان‌گردی، فرهنگ، صحت و زراعت می‌شود.»

ماکرون و بن سلمان در این کنفرانس به چند قضیه معمول، مانند موضوع ایران، توافق هسته‌ای، سوریه، یمن و غیره نیز اشاراتی داشتند، بدون این‌که هیچ‌گونه اشاره‌ای به راحل واقعی و محسوس این قضایا داشته باشند.

در اخیر یک بار دیگر آنچه را که در آغاز این بحث گفتیم، مجدداً تکرار می‌کنیم: هدف اصلی، سفر به امریکا بود، اما سفر به انگلیس، سفری به هدف دلجویی از حکومت‌مداران این کشور بود؛ زیرا بن سلمان پس از به قدرت رسیدن‌اش، گام‌های مؤثری علیه مزدوران انگلیس در سعودی برداشت که طبیعتاً انگلیس‌ها از آن دلخور شدند، و اما سفرش به فرانسه؛ سفری حاشیه‌ای و به هدف مشهور نمودن چهره محمد بن سلمان در سطح جهانی بود، تا طوری وانمود شود که او به دولت‌های بزرگ جهان، به شمول امریکا و اروپا سفر می‌کند.

**24 رجب 1439 ه.ق**

**11 اپریل 2018م**